

عنوان مقاله:

محیط کالبدی و تاثیر آن در بهبود وضعیت روانی بیماران اسکیزوفرن

محل انتشار:

کنفرانس بین المللی انسان، معماری، عمران و شهر (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

نویسندگان:

عباس ترکاشوند - استادیار گروه معماری، دانشگاه گیلان

نرگس فرحناک مجد - دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان

خلاصه مقاله:

اسکیزوفرنی، بیماری روانی با علل نسبتاً نامشخص و علایم متغیر است. این بیماری سبب اختلال در برقراری ارتباطی منطقی و معنادار با محیط پیرامون می شود. طبق تحقیقات انجام شده نقش محیط کالبدی در سبب شناسی بیماری پررنگ بوده و چگونگی آن در بهبود بیماران، موثر است. این در حالی است که اکثر فضاهای روان درمانی که می توانند نقشی ارتقا دهنده در تجربهی روانی، بازی کنند، به دلیل جهت گیری خنثی در طراحی و به طور کلی معطوف بودن اعظم توجه بر دارودرمانی و تریپها نتوانسته اند، کمک چندانی به بهبود شرایط بیماران اسکیزوفرن کنند. مراکز نگهداری کشور ما نیز از این امر مستثنی نیستند. طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، نگهداری از بیماران، هزینه های سنگینی را در تخصیص بودجه ی کشور ها می طلبد و از طرفی درگیری طیف وسیعی که علاوه بر بیمار، خانواده ها را نیز شامل می شود تا مدتها در پی خواهد داشت. از این رو انفعال در محیط های روان توانبخشی امری بسیار قابل تامل است. متخصصان مشغول در این حوزه مشکل بسیاری از فضاهای روان توانبخشی را نبود دیالوگ مناسب و کافی بین معماران، کارفرمایان و متخصصان روانپزشک و روانشناسان محیطی میدانند. بررسی تحقیقات مرتبط در زمینه ی رویکردهای اتخاذ شده جهت پیوند طراحی و ارتقای تجربه ی روانی، نشان از چندین نگاه معمول دارد از جمله، خلق محیط های آزمایشگاهی و بررسی ثانویه ی کالبد درمانی بعد از اعمال تغییرات، مطالعات همبستگی و محوریت قرار دادن بیماران در زمینه ی ترجیحات کالبدی و شکل دادن به طراحی از طریق مدل های سلامت، بیماری، استرس و نیازهای روان اجتماعی. هدف در این مطالعه، بررسی یکی از مدل های سلامت به نام سالوتژنیک (Antonovsky's salutogenic theory) و جمع بندی نظریات روان پزشکان، معماران و پژوهشگران فعال در حوزه ی نظریات مرتبط به کالبد موثر در روند درمان است در بین نظریات موجود، ارجحیت با آن دسته از دیدگاه هایی است که در پی یافتن راهکار های کالبدی با نگاه آسیب شناسانه به بیماری و نقش کالبد، هستند. این مساله عمق و دقت نظر بیشتری از موضوع به دست میدهد و از به دام افتادن در رویکردهای سطحی جلوگیری می کند. در عمل نیز نظریاتی که با شناخت ادراک آسیب دیده ی بیمار از محیط جلو می روند، موفقیت بیشتری را تضمین می کنند. در نهایت تمامی نظرات تحت معیارهای مدل سالوتژنیک دسته بندی می شوند. این نظریه که توسط جامعه شناس، آبرون آنتونوسکی، در بین سال های 1970 تا 1980 داده شده، بیان میدارد که سلامت شخص وابسته به سلامت ذهن است و این مساله با افزایش حس انسجام (sense of coherence) است که، ارتقا می یابد. حس انسجام لازمه ی مقاومت بهتر در برابر بیماری و نزدیک شدن به نقطه ی سلامت است و این حس توسط سه معیار معنا، خوانایی و شفافیت در محیط و امکان مدیریت و اداره ی خود، حمایت می شود. سه مفهومی که دکتر گلمبسکی از معماران فعال در حوزه ی طراحی امکانات و محیط های روان درمانی؛ با نگاه به آسیب شناسی مغزی در اسکیزوفرنی، رد پای آن را در بخش های مختل شدهی مسئول فهم سه معیار پیش گفته می یابد. در نتیجه جهت جبران این اختلال، نقش ...

کلمات کلیدی:

محیط کالبدی، اسکیزوفرنی، سالوتژنیک

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/409994>



